

کد گزارش: ۰۱-۶۵-TR/۱۳۵-۱۲

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

گذری بر پذیرفته‌شدگان دوره دکترای پژوهش‌محور

تدوین:

حمید جاودانی

مدیر گروه مطالعات مدیریت آموزش عالی

دی ماه ۱۳۹۲

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

شناسنامه گزارش

کد گزارش: ۱۲-۱۳۵/TR-۰۱-۶۵	
عنوان فارسی گزارش	گذری بر پذیرفته‌شدگان دوره دکترای پژوهش‌محور
عنوان لاتین گزارش	
گردآورنده	حمید جاودانی
همکاران	
کلید واژه‌ها	
تاریخ	دی ماه ۱۳۹۲
محل نگهداری	موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، کتابخانه
چاپ در	موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

چکیده گزارش: این گزارش با رویکردی نقادانه به بررسی پذیرش دانشجویان دوره دکترای پژوهش‌محور می‌پردازد. در بخش نخست، رویکرد اداری به این گونه تصمیمات از بالا به پایین مورد بازکاوی قرار گرفته است. رویکرد علمی بسان پاسخی فراکنشانه و با روش هنجاری و آموزشی بخش دوم این گزارش را پوشش می‌دهد. در هر یک از این دو بخش، کوشش شده است نقاط مثبت و منفی آن برجسته شود. رویکرد سوم یا رویکرد عمل‌گرایانه، اگر چه چندان توصیه نمی‌شود اما راه حل دیگری را ترسیم می‌کند.

با این گونه پیشنهادها و درخواست‌ها می‌توان با دو رویکرد اداری و علمی روبرو شد:

۱- رویکرد اداری

بسان پاسخی دیوان‌سالارانه به درخواست از بالا به پایین حوزه ستادی است. این رویکرد واکنشانه، در برگیرنده نکات مثبت (از دیدگاه اداری) و منفی زیادی است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان چنین چکیده ساخت:

۱-۱- نکات مثبت

- جذب منابع مالی بیشتر (منابع اختصاصی) برای مؤسسه؛
- Σ فراهم آوردن امکان افزایش درآمد برخی از همکاران درگیر در این گونه طرح‌ها؛
- همسویی با برخی سیاست‌ها و رویه‌های (غیرکارشناسی و ناروایی) موجود و در نتیجه افزایش همگرایی با نهادهای ستادی و تأیید منفعلانه عملکرد آن‌ها که می‌تواند به حفظ وضع موجود و جلب رضایت آن‌ها نیز بیانجامد؛
- افزایش نام‌آوری مؤسسه در نهادهای مالی و اداری در عرصه ملی؛
- و

۱-۲- نکات منفی

- نادیده انگاشتن رسالت و کارویژه‌های مؤسسه، بسان نهادی که می‌تواند پاسدار اصول و هنجارهای دانشگاهی - علمی جامعه ایرانی باشد؛
 - نادیده انگاشتن اصول و مبانی نظری وزیر پا گذاشتن اصول و معیارهای جهان‌گستر آن از جمله «دسترسی برابر»، «استقلال نهادهای دانشگاهی»، «پذیرش»، «کالایی و تجاری شدن آموزش عالی، چشم فرو بستن بر مسائل، «کیفیت آموزش عالی» و دیگر اهداف دانشگاهی و
- که سرانجام به مفهوم تن در دادن و تقویت آشفته‌بازاری است که نظام دانشگاهی کشور بدان دچار است که به نظر نمی‌رسد مورد پذیرش هیچ کارشناس بی‌طرف و دلسوزی باشد.

۲- رویکرد علمی

بسان پاسخی فراکنشانه که می‌تواند زمینه‌ساز فرایند اصلاحات نظام آموزش عالی کشور با روشی هنجاری و آموزشی و همراه با پایبندی به رویکرد و هنجارهای علمی در فرایند سیاست‌پژوهی و سیاست‌گذاری در کشور باشد، که از جمله بنیان‌های مأموریتی و کارویژه‌های اصلی مؤسسه، حتی بر مبنای اساسنامه موجود آن است.

برپایه چنین رویکردی، لازم است، این درخواست به همراه آیین‌نامه‌های اجرایی آن با رویکردی علمی مورد بازکاوی قرار گیرد و چنان‌چه اراده‌ای سیاسی برای تغییر و اصلاح وجود داشته باشد، موسسه به همکاری و همکنشی، در نقش واقعی خود، با حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بخش آموزش عالی، از جمله حوزه ستادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بپردازد. نکات مثبت و منفی برگرفتن چنین رویکردی از سوی موسسه را از جمله می‌توان چنین برجسته ساخت:

۱-۲- نکات مثبت

- امکان افزایش اعتماد به موسسه و توان کارشناسی آن؛
 - برانگیختن انگیزه همکاری جدی دو سویه از سوی نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر با موسسه؛
 - شکل دادن به همکنشی واقع‌گرایانه میان قلمرو پژوهش، سیاست‌پژوهی و سیاست‌گذاری؛
 - افزایش نقش‌آفرینی نهادهای مطالعاتی و دانشگاهی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بر مبنای کشش تقاضا، و به ویژه موسسه با توجه به دیرینه‌شناسی نقش و عملکرد آن در فرایند تاریخی.
- کمترین پیامد شکل‌گیری چنین سپهری، پدید آمدن امکان توسعه منابع انسانی، مالی، کالبدی، علمی و فیزیکی نهادهایی همچون موسسه بر پایه برانگیختن تقاضا در قلمرو مصرف‌کنندگان چنین تولیداتی خواهد بود.

۲-۲- نکات منفی

- نکات منفی، همان‌گونه که زیست‌آزموده‌ها نشان می‌دهد، هنگامی بروز خواهد کرد که اراده سیاسی جدی شکل نگرفته باشد و نتوان در میان تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران پشتیبان‌هایی را با این رویکرد همسو ساخت:
- نادیده انگاشتن نقش و رسالت موسسه در فرایند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و کوششی برای گوشه‌نشین ساختن هرچه بیشتر آن به اتهام رایج «برج عاج نشینی»!
- نیازی به باز شکافی نیست که چنین واکنشی، دست کم در کوتاه‌مدت، به کاهش توان توسعه موسسه و نقش‌آفرینی آن در عرصه ملی خواهد انجامید. برای آن که بتوان به امکان‌سنجی در قلمرو برگزیدن رویکرد مناسبی در این قلمرو پرداخت، می‌توان به کوششی برای انجام گفتگو در دو سطح درون و برون‌نهادی پرداخت:
- الف- انجام گفتگو در سطح موسسه برای دستیابی به توافق و همراهی میان اعضای موسسه.

ب- انجام گفتگو و در صورت نیاز نامه‌نگاری با افراد و نهادهای صلاحیت‌دار و برخورداری از نفوذ در فرایند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در قلمرو آموزش عالی و حتی برنامه‌ریزان کلان ملی.

از جمله برجسته‌ترین نکاتی که در قلمرو این موضوع می‌توان مورد کنکاش (رایزنی) قرار گیرد، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

الف- نادیده انگاشتن اصول و مبانی نظری و هنجاری دانشگاهی در فرایند پذیرش دانشجو بر پایه چنین رویه‌ای ناشفاف که می‌تواند پیامدهای زیر راه به همراه داشته باشد:

- افزایش گرایش به مدرک‌گرایی در نظام اشتغال کشور به جای مهارت‌های فنی- تخصصی و مسئله- محور که اگر به درستی به اجرا در آید می‌تواند به بهگشت و حل مسائل واقعی کشور در میان و بلند مدت بیانجامد. لازم به یادآوری است که گزارش کوتاهی در این زمینه، از سوی اینجانب، در سال ۱۳۸۲ برای رئیس وقت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تهیه شده است که برای فزون آگاهی به پیوست فرستاده می‌شود.
- افزون بر آن، الگوی دانشگاهی و مسئله محور آن نیز در برخی کشورهای پیشرفته، از جمله ایالات متحده امریکا، با نام دانشگاه بزرگسالان فونیکس، نیز ایجاد شده است که بر مبنای یافته‌ها، دستاوردهای کامیابانه‌ای به همراه داشته است.
- برجسته ساختن فرایند ناشفاف این گونه روش پذیرش دانشجو که افزون بر افزایش نابرابری در دسترسی به آموزش عالی و دیگر هنجارهای دانشگاهی، می‌تواند پیامدهای ناگواری همچون: کاهش کیفیت آموزش عالی، امکان تبانی و فسادپذیری در نظام آموزش عالی و را به همراه داشته باشد.
- افزایش فشار به نظام آموزش عالی کشور که به دلیل گسترش بی‌رویه و نامتوازن آن، شاهد افت کیفی روزافزون آن، به ویژه در دهه گذشته بوده‌ایم. افزایش این بار اضافی و پنهان می‌تواند آسیب‌های جبران ناپذیر دیگری را بر نظام آموزش عالی کشور بارکند که شرح آن نیازمند جستار گشایی‌های جداگانه‌ای است.

انگاشت رویکرد میانه و سومی نیز امکان‌پذیر به نظر می‌رسد که به دلیل پیامدهای ناگوار حتی در پیشنهاد آن می‌تواند تردید روا داشت. چرا که انجام آن، در شرایط باقی‌مانده از وضعیت عملکرد دهه گذشته، می‌تواند راه برخی از اصلاحات را سد کند. هرچند ممکن است از سوی حوزه ستادی پذیرفته باشد.

رویکرد عمل‌گرایانه تلفیقی: دو سناریو برای انجام آن به ذهن می‌آید.

سناریوی نخست: هم‌هنگام با نقد چنین رویه ناشفاف‌ی که با بسیار از هنجارها و حتی برخی قوانین و رویه‌های کنونی نیز همگرایی چندانی ندارد، می‌توان طرحنامه‌های پذیرش‌شدگان را دریافت کرد و در صورت علمی و مناسب ارزیابی کردن آن‌ها، امکان ادامه تحصیل آن‌ها را فراهم ساخت. یادآوری می‌شود که چنین فرایندی، دست کم به دلیل، **نداشتن مجوز راه‌اندازی دوره دکترا** از سوی دفتر گسترش، غیر قانونی به نظر می‌رسد! همچنین یادآور می‌شود، دنبال کردن چنین فرایندی می‌تواند به رویه‌ای نامناسب برای صدور احتمالی مدرک برای دیگران، از جمله همکاران موسسات نیز بیانجامد!

سناریوی دوم: پس از دریافت طرحنامه‌ها، چنان‌چه از کیفیت پایینی برخوردار باشند، می‌توان از آن‌ها به عنوان گواهی برای نقد چنین روشی استفاده شود. چرا که به نظر می‌رسد چنین دانشجویانی تنها با بهره‌گیری احتمالی از رانت‌ها و امکان پرداخت هزینه‌ها از سوی کارفرمایانشان، در یک بازه زمانی خاص و با الگوهای مدیریتی خاص، برگزیده شده باشند و تا آن جا که اطلاعات در دسترس نشان می‌دهد، هیچ گونه توجهی به صلاحیت و پیشینه علمی آن‌ها و سنجش توان ادامه تحصیل آن‌ها نشده است.